

• عدالت آموزشی

• تاریخچه دانشگاه فرهنگیان

• تربیت معلم در اسناد بالادستی

• جذب و بازنشستگی معلمان

• اسناد بالادستی

جمعیت فرهنگیان جوان

شماره دوم | بهمن ماه ۱۴۰۰ | ۲۰ صفحه



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
سَلَام



استاد شهید مرتضی مطهری:  
مسلمان کسی است که هم  
درد خدا را داشته باشد و هم  
درد خلق خدا را

معلمی شغل نیست



سیاسی و دولت عادل پایبند به اصول اخلاقی است و حق شهروندان را پایمال نمی کند.

تعریف نه چندان دقیق بالا به ما کمک می کند چهار نوع عدالت را در یک نظام سیاسی و حکومتی از هم مجزا کنیم. این چهار نوع عدالت عبارت اند از: عدالت توزیعی، عدالت رویه ای، عدالت ترمیمی، و عدالت کیفری.

منظور از **عدالت توزیعی** آن است که آنچه افراد و گروه‌های اجتماعی از دولت دریافت می کنند، اعم از منابع، خدمات، امکانات و توجه، به شکلی عادلانه میان آنان توزیع شده باشد. به عبارت دیگر، دولت در توزیع خدمات و امکانات میان افراد و گروه‌ها جانب «انصاف» و «برابری» را نگه دارد.

در **عدالت رویه‌ای** سخن از آن به میان می آید که برای توزیع عادلانه خدمات و امکانات میان شهروندان لازم است رویه‌ها، روال‌ها و قوانینی که طبق آنها چنین مواردی میان شهروندان توزیع می شود، عادلانه طراحی شده باشند تا نتیجه به کار گیریشان به عدالت توزیعی منجر شود. به بیان دیگر، عدالت رویه‌ای مربوط به عادلانه بودن قوانین و رویه‌هاست.

در **عدالت ترمیمی** به این نکته توجه می‌شود که چنانچه به دلیلی در عدالت توزیعی و روی‌های مشکلی وجود داشت و فرد یا گروهی نتوانست از خدمات و امکانات به طور عادلانه برخوردار شود، باید این حق در اختیار او باشد که به وضع موجود اعتراض کند و چنانچه اعتراض درست تشخیص داده شد، برای جبران و ترمیم حقی که از او ضایع شده است، اقداماتی مناسب صورت گیرد. این اقدامات ترمیمی مناسب می تواند از امور کوچکی مانند عذر خواهی آغاز شود و به موارد مهمتری مانند دادن خدمات و امکانات بیشتر از عموم مردم به کسی که مورد بی عدالتی قرار گرفته است ختم گردد.

سرانجام **عدالت کیفری** به نظام و دستگاه قضایی مربوط است. فرد، نهاد و دستگاهی که مرتکب بی عدالتی



## عدالت آموزشی؛ حلقه مفقوده نظام آموزشی

پرداختن به اصل عدل و کالبد شکافی معیارهای عدالت محور با هر رویکردی قطعا کار آسانی نخواهد بود؛ حال اگر مفهوم عدالت در کنار آموزش قرار بگیرد، شاهد یک نظام معنایی دشوار، مسئله محور و چالشی خواهیم بود. به راستی، تعریف و ملاک «عدالت آموزشی» چیست تا با توسل به آن بتوان مصادیق بی عدالتی آموزشی را به شکلی نظام مند تشخیص داد؟

برای داشتن تعریفی دقیق از عدالت آموزشی، قاعدتا لازم است ابتدا تعریفی از عدالت و انواع آن در دست داشته باشیم و بدانیم در چارچوب کدام نظریه به عدالت نگاه می کنیم؟ در عرف روزمره، شخص «عادل» معمولا کسی است که اعمالی اخلاقی انجام می دهد و در رابطه اش با دیگران، حق کسی را زیر پا نمی گذارد. اگر همین تعریف اولیه را مبنا قرار دهیم با ایجاد تغییرات مناسبی در آن، می توانیم از نظام سیاسی و دولت عادل نیز سخن بگوییم: نظام



شده است، باید مجازات و کیفر شود. مطابق عدالت کیفری، لازم است هم اصل مجازات فرد و گروه خاطی به رسمیت شناخته شود و هم میزان مجازات او متناسب با بی عدالتی صورت گرفته تعیین و اعمال گردد. اکنون با توجه به اینکه آموزش عمومی از خدماتی است که دولت به شهروندان خود ارائه می‌کند، آشکار است که عدالت آموزشی از سنخ عدالت توزیعی است؛ به این معنا که دولت باید در توزیع خدمات آموزشی جانب عدالت و انصاف را نگه دارد.

با توجه به این نکات، می‌توان عدالت آموزشی را به اختصار چنین تعریف کرد:

« دولت باید امکانات و تسهیلات آموزشی پایه را در سطحی قابل قبول برای همه کودکان، فارغ از طبقه اجتماعی، پس زمینه های قومی، جنسیت، توانایی های شناختی، مذهب، سطح درآمد و... فراهم کند.» آنچه در این تعریف اهمیت دارد، وجود عنصری «مساوات طلبانه» است. دولت موظف است سطحی پایه و اولیه از خدمات آموزشی را در دسترس «همه» کودکان جامعه، فارغ از هر عاملی که ممکن است میان آنان تفاوت ایجاد کند، قرار دهد. این سطح و حد پایه باید چنان باشد که غنای زندگی فردی و جمعی کودکان را در آینده تضمین کند. وجود چنین سطح پایه و همگانی آموزش تضمین کننده نوعی «عدالت اجتماعی» است. حاکم شدن این تعریف به صورت یک اصل اولیه، ما را به سمت فهم جایگاه عدالت آموزشی در کشور هدایت می‌کند.

یکی از علت های وقوع انقلاب اسلامی در ایران تحقق آرمان عدالت و مبارزه با نابرابری های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است. از این رو، بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، همه کوشش‌ها در نظام جمهوری اسلامی حول محور تأمین و بسط عدالت گرد آمده است. تحقق عدالت از شعارها و اهداف اجتماعی حاکم در جوامع بشری و یکی از عوامل مؤثر در تحقق اهداف آموزش و پرورش است. عدالت حیاتی‌ترین عامل نهادهای اجتماعی می‌باشد و از آنجایی که آموزش و پرورش و مدارس جزء نهادهای اجتماعی

هستند، بحث عدالت در این محیط ها یک نکته کلیدی است. یکی از جنبه های عدالت، عدالت آموزشی است. در محیط های آموزشی زمانی عدالت تحقق می یابد که یادگیرندگان از طریق دروندادها و فرآیندها در مدارس، بتوانند اهداف علمی، اعتقادی، اجتماعی و آموزشی را کسب کنند. در حوزه آموزش و پرورش در سند تحول آموزش و پرورش برای تأمین چنین آرمانی تصویب شد. با این حال، پس از گذشت چند دهه از انقلاب با وجود پیشرفت هایی که در این زمینه اتفاق افتاده، هنوز عدالت همه جانبه تحقق نیافته است. همچنان نابرابری های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مشاهده می شود. در حوزه آموزش و پرورش نیز فاصله میان آرمان عدالت و واقعیت های موجود بسیار است. برخی عدالت آموزشی را به دو قسمت، عدالت افقی و عدالت عمودی تقسیم کرده اند.

♦ **عدالت افقی** در آموزش یعنی تعداد صندلی، کلاس، معلم و سایر امکانات آموزشی که هم شهر و هم روستا باید به نسبت جمعیت داشته باشند.

♦ **عدالت عمودی** اشاره به رفتار برابر با نابرابرها دارد؛ در این نوع عدالت تلاش می‌شود تا برای هر دانش آموز مطابق نیاز و شرایط او، خدمات و منابع آموزشی فراهم شود.

پس از انقلاب، همه کوشش ها در پدیده هایی هستیم نظام جمهوری اسلامی ایران حول محور تأمین عدالت و بسط آن گرد آمده است و اصل سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف ساخته است تا وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم کند.

آموزش، به ویژه آموزش عمومی و همگانی، یکی از مواردی است که انجام آن در جوامع مدرن معمولاً برعهده دولت‌ها گذارده می‌شود. دلیل این امر آن است که چنانچه آموزش عمومی و محتوای آن به بخش خصوصی واگذار شود، به دلیل سودآور نبودن شاید بخش خصوصی رغبتی به پذیرش و انجام آن نداشته باشد، یا اگر هم آن را به عهده گیرد، برای سودآور کردن آن در کوتاه مدت محتوای

وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور، به طور رایگان، گسترش دهد.»

با وجود این تبصره در اصل ۳۰ قانون اساسی، سال هاست که شرایط کشور ما به گونه ای رقم خورده است، که خانواده ها برای پیشرفت دانش آموزان خود ناگزیرند که هزینه های فراوانی را متحمل شوند و آنها را به سوی مدارس خاص هدایت کنند. نکته اینجاست که تقابل طبقات اجتماعی در این میان قوت گرفته و اقشار ضعیف تر جامعه به ناچار در سیستم عمومی آموزش از خدمات و توجه کمتری برخوردار می شوند. مدارس دولتی با مشکلاتی از قبیل، تعداد زیاد دانش آموزان نسبت به فضای آموزشی، کمبود و ضعف نیروی انسانی، دست به گریبان بوده و تفاوت میان دانش آموزان مدارس دولتی با مدارس خاص و نمونه دولتی به قدری زیاد است که نظام آموزشی را به یک نظام طبقاتی تبدیل کرده است.

نظام آموزشی طبقاتی، دانش آموزان به اصطلاح باهوش را با توجه به موقعیت اجتماعی آنان به مدارس تیزهوشان، نمونه دولتی و غیر انتفاعی هدایت می کند و این گروه را در بالاترین رده نظام آموزشی کشور ما قرار می دهد. سایر دانش آموزان باید در مدارس دولتی ثبت تحصیل کنند، در حالی که فاصله علمی مدارس دولتی مختلف نیز با هم زیاد است.

این بی عدالتی ها در برخی مدارس و عملکردهای متناقض هدف اصلی آموزش را که کمک به رشد، تکامل و شکوفایی استعداد جوانان ماست را فراموش کرده است و شرایط را سخت و سخت تر می کند. در یک توضیح ساده می توان گفت نظام آموزشی زمانی عادلانه و برابر می شود که دغدغه یک دانش آموز از هر گروه اجتماعی، صرفاً درس خواندن باشد و نگرانی برای تأمین هزینه های اضافی، کلاس های تقویتی و... را نداشته باشد و یک فضای برابر رقابتی عادلانه را تجربه کند.

آموزشی را به سمتی سوق دهد که منافع کوتاه مدت خود را تأمین کند نه منافع بلندمدت جامعه را. به همین دلیل، حتی در کشورهای غربی نیز که نظام سرمایه داری و بازار آزاد حاکم است، آموزش عمومی در رده اموری مانند تأمین امنیت قرار می گیرد که کنترل و جهت دهی آن باید در اختیار دولت و نهادهای عمومی باشد تا دستخوش منفعت طلبی های بخش خصوصی نشود.

اکنون ما به دنبال که بی عدالتی در حوزه آموزش همگانی کشورمان را فریاد می زنند: **مدارس طبقاتی، کنکور، نظام سهمیه دانشگاهی، موسسات آموزشی، محتوای متمرکز کتب درسی، جریان هدایت تحصیلی معیوب و...**

هر کدام از این عوامل به تنهایی عدم وجود توازن در سازمان آموزشی کشور ما را حکایت می کند و تعدد این معضلات بی عدالتی آموزش را به تصویر کشیده است. حال با توجه به اهمیت موضوع، به وصف دو گزاره از موارد بالا می پردازیم:



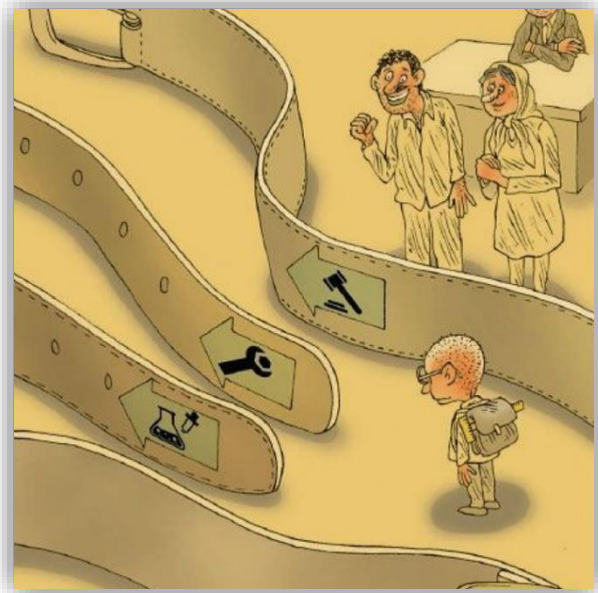
#### **مدارس طبقاتی (غیرانتفاعی، نمونه دولتی، سمپاد و...)**

ایجاد و باز تولید طبقات اجتماعی غنی و فقیر امروزه به حدی پیش رفته است که نظام آموزشی راهم در برگرفته، جایی که برخلاف آن به صورت صریح در متن قانون آمده است:

«دولت موظف است، وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و

شده و ابلاغی به مدارس و با در نظر گرفتن علایق و مؤلفه توزیع متوازن رشته‌های تحصیلی، از بین رشته‌های موجود یک گزینه را انتخاب کنند؛ اما در این بین نکات مهمی وجود دارد که می‌تواند منجر به منحرف شدن و به وجود آمدن نوعی نابه سامانی چه در اجرا و چه در ساختارها و هدف گذاری‌های آموزشی و شغلی شود. در وهله اول این مسئله مورد اهمیت قرار می‌گیرد که آیا برای شناسایی استعدادها در ابعاد و زمینه‌های مختلف و سرمایه گذاری بر روی آنها، هدایت تحصیلی به این شکل و سیاق می‌تواند پاسخگوی تمام ابعاد موجود در شناسایی و تقسیم بندی استعدادها باشد؟ چرا که هدایت تحصیلی مطلوب در اکثر جوامع و کشورهای سردمدار آموزش، فرایندی است که از دوره ابتدایی با تشکیل پرونده مشاوره ای آغاز و تا پایان دوره متوسطه دوم ادامه یابد. بدیهی است در این بین اولویت‌ها، نیازها و امکانات کشور نیز با یک نگاه دقیق و داشتن آمایش سرزمینی مناسب، نقش تعیین کننده‌ای در توزیع بهینه تحصیلی دانش آموزان خواهد داشت. با این اوصاف قطعا نمی‌شود نتیجه هدایت تحصیلی در یک بازه زمانی کوتاه مدت و البته غیر کارشناسانه راهی برای هدف گذاری‌های نهایی قرار داد و باز خورد، به گونه ای رقم خواهد خورد که در حال حاضر طبق آن دانش آموزان را به دو گروه (دارای هوش ریاضی) و (فاقد هوش ریاضی) تقسیم می‌کنیم و انتظار داریم بهترین حاصل را هم به دنبال داشته باشد.

بر مبنای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انتخاب رشته تحصیلی با توجه به تأثیر به سزایی که در ترسیم مسیر شغلی و آینده افراد دارد، نقش بسیار اساسی داشته و قطعا نیازمند سیاست گذاری‌های دقیقی از سوی مسئولان می‌باشد. چرا که گذر مطلوب از این مرحله باعث طی موفق مراحل بعدی رشد روانی اجتماعی فرد و نهایتا شکوفا شدن فرد و قابلیت‌های اوست. با هدایت تحصیلی صحیح، ضمن شکوفایی استعدادهای دانش آموزان به بهترین شکل و ایجاد احساس خوشایند برای آنها در ادامه مسیر زندگی می‌



### هدایت تحصیلی

وضع موجود در جریان هدایت تحصیلی گویی نتیجه ناکارآمدی‌هایی است که فرصت‌های جامعه سازی و همچنین انسان سازی را تمام و کمال به تهدید تبدیل می‌کند؛ تهدیدی که در دراز مدت نه تنها منجر به استعداد سوزی، بلکه منجر به انحراف سیاست گذاری‌ها در سطح جامعه شده و به یک اصل غلط که موجی از ناهنجاری‌ها را به دنبال دارد تبدیل می‌شود. هدف از فرایند هدایت تحصیلی شناسایی استعداد، علاقه، نیاز، رغبت‌ها و محدودیت‌های دانش آموزان برای رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب در برون داد دوازده سال تحصیل از طریق نظام آموزش و پرورش است. اما دلیل اصلی نارسا بودن فرایند هدایت تحصیلی در کشور ما با توجه به چنین تعریفی چیست؟

آنچه که هدایت تحصیلی را به روندی چنین پیچیده مبدل کرده، سعی در ایجاد تعادل بین نیاز و امکانات است. این نیاز و امکانات می‌تواند در بعد فردی بین استعداد و علاقه افراد باشد یا در جامعه بین نیاز جامعه و امکانات کشور؛ در مسیر موجود برای انتخاب رشته و هدایت تحصیلی، دانش آموزان می‌توانند بر اساس قوانین تدوین

خلاصه آنکه اشکالات و موانع ساختاری و غیر ساختاری متعددی چه در حوزه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نیز آموزشی کشور وجود دارد که تا زمانی که آنها حل نشوند، چشم انداز روشنی برای حل معضل عدالت آموزشی وجود نخواهد داشت. تبعیض و ناعدالتی آموزشی، ریشه ها و دلایل متعددی دارد و اگر امروزه یک عامل را تنها نماد و یا علت این ناعدالتی ها بدانیم، بیراهه رفته ایم. اما لاقلاً پرداختن به این دو مقوله، مصداقی از ناعدالتی است که به استمرار و چرخیدن چرخه ناعدالتی و ساختارمند شدن این تبعیض ها کمک می کند. اشکالات وجود دارند اما راه حل ها نیز همواره وجود داشته اند، کفایت هریک از ما سهم خود را در کنار زدن این موانع شناسیم و برای حل آن، دغدغه مندی لازم را داشته باشیم.

#### منابع:

شیخ رضایی. حسین؛ (۱۳۹۶). مجله رشد مدرسه فردا، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

صفر حیدری، حجت، حسین نژاد، رزا؛ (۱۳۹۳). رویکردهای عدالت آموزشی (نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران)، پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۴(۱)، ۴۹-۷۲.

اسلامی هرندی، فاطمه، کریمی، فریبا، نادى، محمدعلی؛ (۱۳۹۸). شناسایی مؤلفه های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران، فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی، دوره ۱۳، شماره ۴۷، ۴۷-۷۵.

حاضری، علی محمد، آریان راد، امین؛ (۱۳۹۶). مسئله عدالت آموزشی در دهه نخست دوره جمهوری اسلامی، تاریخ نامه انقلاب، شماره ۱۴۵، ۱-۱۷۱.

#### نویسنده: امیرحسین فکرجوان

توان نیازهای جامعه را نیز به شکلی متعادل برطرف نمود؛ اما چرا نتوانسته ایم چهارچوب عملی را براساس اسناد اصلی آموزش و پرورش تبیین کنیم و آن را به اجرا در بیاوریم؟

متأسفانه تاثیر افکار عمومی و جریان سازی های اجتماعی در فرایند تحصیل و آینده شغلی، امروزه علت اصلی افزایش تقاضا برای رشته هایی خاص شده که خود معلول عدم توجه نهادهای مختلف به مسئله ظرفیت های موجود در شاخه های مختلف تحصیلی است. اگر چه آموزش و پرورش خود از تأثیر گذاران بر فرهنگ و افکار عمومی جامعه است اما این مشکل نیز، همانند بسیاری از مشکلات و مسائل آموزش و پرورش، مسئله ای است که از بیرون به سیستم آموزشی تحمیل شده و حل آن نیز تنها به دست این نهاد صورت نخواهد پذیرفت. بدیهی است هنگامی که ظرفیت رشته ها محدود است و تقاضا برای رشته ای خاص بالا باشد، مشکلات دور از انتظار نخواهد بود. اما بایستی به طور دقیق نگاه کرد که این مشکلات ناشی از اجرای نادرست است یا سیاستگذاری غلط؟ دیدگاه ساده انگارانه به بحث هدایت تحصیلی در واقع تأثیری خاموش و قطعی بر سست شدن عملکرد نهاد رسمی آموزش و پرورش دارد و تأثیرات آن در بلند مدت جبر را جزئی جدا ناپذیر از انتخاب افراد در سطح جامعه قرار میدهد و این فشار روانی که در بستر جامعه شکل گرفته بسیاری از دانش آموزان را به سمت و سویی یکسان و بدون پشتوانه روانه می سازد. این انتخاب قبل از آنکه یک بحث و خواست شخصی باشد، موضوعی مهم و لازمه آن سیاست گذاری های صحیح است، چرا که تبعات اشتباه در امر هدایت تحصیلی نه تنها دامن فرد را می گیرد، بلکه جامعه را تحت تاثیر قرار میدهد. هدایت تحصیلی مطلوب در واقع معلولی است از فرهنگ سازی ها در بستر جامعه برای توزیع قانونمند نیروی انسانی و تبیین آیین نامه هایی که منطبق بر نیاز های کشور، آمایش سرزمین و آمار طراحی شده است.

## تاریخچه تربیت معلم در ایران



### خط‌زمانی شکل‌گیری تربیت معلم در ایران (از آغاز تا

#### دانشگاه فرهنگیان)

با داشتن نیم‌نگاهی به سیر تحولی تربیت معلم در ایران، می‌توان دریافت که تربیت معلم در جهت به وجود آوردن نظام آموزشی بهتر، پیوسته در حال تغییر بوده و این روند از سال ۱۲۹۷ شمسی آغاز شده. این بررسی‌ها نشان داد که با روی کار آمدن و تغییر متصدیان آموزش در کشور در زمان‌های مختلف باعث به وجود آمدن، تجمیع یا حذف بسیاری از مراکز تربیت معلم شده‌است.

یکی از مهم‌ترین سازمان‌ها در هر جامعه که وظیفه تربیت معلم شایسته را دارد آموزش و پرورش است. با توجه به رسالت و نقش معلم و نیاز به معلمان عالم و توانمند در تمام دوران‌ها، اهمیت موضوع دوجندان می‌شود.

با توجه به رسالت و نقش معلمان در پرورش ابعاد وجود کودکان، نوجوانان و جوانان و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز هر جامعه، غلو نخواهد بود اگر بگوییم که معلمان رکن مهم آموزش و پرورش و عامل انتقال دستاوردهای علمی و فنی و تجارب بشری به نسل نخواست‌اند.

تا آغاز حکومت مشروطه در ایران تأسیس مدرسه و تربیت معلم برعهده دولت یا ارگان خاصی نبود. معلمان این مدارس طلابی بودند که مدرک صلاحیت از سوی اساتید خود را دارا بودند. در کنار مدارس مکتب‌خانه‌هایی نیز وجود داشت که برای تحصیل قشر عامه مردم بود. با تأسیس دارالفنون و در پی آن تأسیس وزارت علوم و معارف، ایجاد

مدارس جدید در شهرهای بزرگ، دولت به تدریج سیاست‌گذاری برای آموزش و پرورش را به‌عهده گرفت.

گزارش مدیرکل وزارت معارف و فواید عامه در سال ۱۲۹۰ شمسی مؤید این امر است "تربیت اطفال مبتدی از اعمال مشکله است که باید به عهده اشخاص متخصص تفویض شود و مسلماً اگر شخصی از اصول تعلیم و تربیت بهره‌مند نشده باشد نمی‌تواند علم خود را به اطفال بیشتری بیاموزد، هر قدر هم که در آن علم به خصوص، متبحر باشد"

اولین اقدام رسمی در زمینه تربیت معلم، تصویب قانونی در اردیبهشت ماه سال ۱۲۹۰ توسط مجلس شورای ملی بود. در این قانون اصول اولیه تربیت اطفال مطرح شده بود. طبق قانون مزبور برای اولین بار مجوز اعزام ۳۰ نفر جهت ادامه تحصیل به خارج از کشور صادر شد. در همین سال‌ها برای آشنایی با اصول اولیه برای تربیت اطفال درسی بنام اصول تعلیم نیز در کنار باقی دروس و معلمان آموزش داده می‌شد.

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با تصویب شوراهایی اعم از فرهنگ، معارف و... و وزارت خانه‌ی آموزش و پرورش شاهد تغییرات زیادی در شکل‌گیری تربیت معلم بودیم. تشکیل دانشسراهای مختلف که هر یک به نوعی افرادی را برای تربیت به عنوان معلم جذب می‌کردند. در سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی تنها پنج مرکز از مراکز تربیت معلم فعال بودند که عبارت‌اند از:

۱. مرکز تربیت مربی کودک
۲. دانشسرای مقدماتی
۳. دانشسرای عشایری
۴. دانشسرای راهنمایی تحصیلی
۵. مرکز تربیت معلم روستایی

در سال ۱۳۵۸ با تصویب شهید رجایی تمامی مراکز تربیت معلم قدیم عملاً متوقف گردید و هیچ دانشجویی از آن سال وارد این مراکز نشد اما دانشجویان محصل اجازه داشتند تا پایان دوره، تحصیل کنند.

با تصویب اساسنامه، مراکز تربیت معلم جدید با نام دانشسرا به مدت ۲ سال و به صورت شبانه روزی شروع به فعالیت کردند. به فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف در این مراکز مدرک فوق دیپلم اهدا می‌شد، اما با توجه به این که



گذراندن دوره یک ساله و حداکثر ۲۴ واحد درسی، حق استخدام در آموزش و پرورش را پیدا کردند و سرانجام در سال ۱۳۹۰ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی با تجمیع کلیه مراکز تربیت معلم، دانشگاه فرهنگیان تاسیس شد و از سال ۱۳۹۱ رسماً شروع به کار کرد.

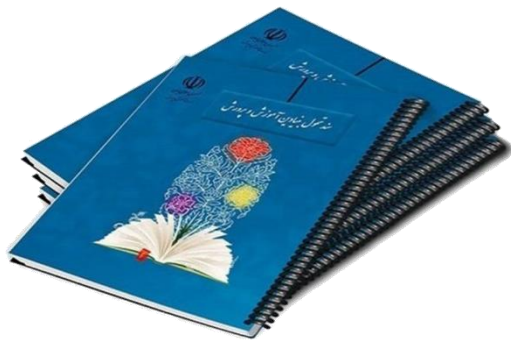
امکان تشکیل دانشسرا در بعضی مناطق روستایی نبود در سال ۱۳۶۴ مجوز تأسیس دانشسرای روستایی هم به

تصویب رسید. پنج سال بعد آزمون ورودی مراکز تربیت معلم در آزمون ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ادغام گردید و از همان سال اجرا شد. با توجه به کمبود نیروی انسانی در آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۵ دارندگان مدارک لیسانس و بالاتر در رشته‌های غیر دبیری، با

هدف	سال	عنوان
تربیت معلمان زن و مرد	۱۲۹۷	دارالمعلمین و دارالمعلمات
افزایش سطح دانش معلمان و ایجاد مهارت در فن تدریس	۱۳۰۶	دارالمعلمین اکابر
تأمین معلمان مدارس ابتدایی استان‌ها و شهرهای ایران	۱۳۰۶	دارالمعلمین ابتدایی ولایات و ایالات
گسترش دوره متوسطه و تربیت و تأمین دبیران	۱۳۰۸	دارالمعلمین عالی
تأمین مدرسان و کارشناسان	۱۳۰۸	اعزام محصل به خارج از کشور
تربیت و تأمین آموزگاران و دبیران	۱۳۱۲	دانشسرای عالی و دانشسرای مقدماتی
تربیت و تأمین معلمان ورزش	۱۳۲۷	دانشسرای تربیت بدنی
تربیت آموزگاران فنی برای دبستانهای کشاورزی روستایی	۱۳۲۸	دانشسرای کشاورزی
فارغ التحصیلان در کلاس‌های اول تا چهارم دبستان تدریس می‌کردند	۱۳۳۲	کلاسهای کمک آموزگاری
تأمین دبستان‌های عشایری کشوری	۱۳۳۴	دانشسرای عشایری
انحلال دانشسرای مقدماتی و ایجاد مراکز تربیت معلم یکساله	۱۳۳۸	مراکز تربیت معلم یکساله
تربیت معلمان مورد آموزشگاه‌های حرفه‌ای در وزارت فرهنگ	۱۳۴۱	تربیت حرفه‌ای پسران و دختران
آموزش دانش آموزان روستایی را در مدارس سپاه دانش	۱۳۴۲	تأمین معلمان ابتدایی روستا از طریق سپاه دانش
تأمین معلمان دروس دینی و قرآن	۱۳۴۲	مرکز تربیت معلم دینی
تأمین معلمان اقلیت مذهبی کلیمی	۱۳۴۲	مرکز تربیت معلم یشیوا
تربیت دبیران فنی در رشته‌های گوناگون برای تدریس در هنرستان‌ها	۱۳۴۳	دانشسرای عالی صنعتی
تأمین مربیان مورد نیاز کودکانها و دوره آمادگی	۱۳۵۱	تربیت مربی کودک
تربیت دبیران در رشته‌های گوناگون	۱۳۵۱	دانشسراهای راهنمایی تحصیلی
تربیت معلم، مدیران و کارشناسان، دبیران رشته‌های مختلف، مشاوره، انجام تحقیقات تربیتی و روانی	۱۳۵۳	دانشگاه تربیت معلم
تأمین دبیران فنی و حرفه‌ای و مدرسان مراکز عالی فنی و حرفه‌ای	۱۳۵۹	دانشگاه شهید رجایی
تأمین، تربیت و توانمندسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش	۱۳۹۰	دانشگاه فرهنگیان

### اسناد بالادستی چیست؟

در نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد اهداف در هر حوزه‌ای نیاز به تهیه برنامه‌ای جامع و کامل است تا هر مسئولی با پذیرش مسئولیت با استناد به این برنامه‌ها اهداف مورد نظر را پیش ببرد. در حال حاضر در کشورمان اسناد بالادستی زیادی وجود دارد به طوری که در هر حوزه می‌توان به اسناد بالادستی آن حوزه استناد کرد. اسناد مهم بالادستی در حوزه آموزش و پرورش عبارتند از: سند چشم انداز، سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، قانون برنامه پنجم توسعه، برنامه درسی ملی، سیاست‌های کلی تحول بنیادین در آموزش و پرورش، آیین نامه ها، قوانین و مقررات و بخشنامه ها. به این نکته باید توجه داشت که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در برگیرنده قسم زیادی از نکات ذکر شده در اسناد دیگر است؛ در ادامه به تشریح برخی از این اسناد می‌پردازیم.



### سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین در آذرماه سال ۱۳۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهایی رسید. این سند در ۸ فصل تنظیم شده است. قبل از مقدمه سند سخنانی از امام خمینی بنیانگذار انقلاب اسلامی، به نقل از صحیفه ی ایشان نقل شده است که در آن به کلیه ی مسوولین و تمامی دست اندرکاران نظام جمهوری اسلامی ایران سفارش شده است که به هر شکل ممکن وسایل و موجبات ارتقای اخلاقی، اعتقادی، علمی و هنری جوانان را فراهم سازند و نسل جوان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش ها و نوآوری ها همراهی نمایند و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگاه دارند. سپس سخنان رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای آورده شده است. آنچه که در سخنان ایشان بسیار چشمگیر و برجسته است دغدغه‌ی

۱. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش؛ (۱۳۷۳)؛ اساسنامه های مراکز تربیت معلم از ۱۳۰۲ تا ۱۳۶۲؛ تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۲. سالنامه معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه؛ (۱۳۲۹-۱۳۲۸)؛ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه.
۳. شورای عالی معارف؛ (۱۳۰۶)؛ اساسنامه دارالمعلمین شبانه اکابر.
۴. ...؛ (۱۳۰۶)؛ اساسنامه دوره تحصیلات فنی دارالمعلمین ابتدایی ولایات و ایالات.
۵. صافی، احمد؛ (۱۳۷۹)؛ سازمان و مدیریت در آموزش و پرورش؛ تهران: ارسباران.
۶. ...؛ (۱۳۸۲)؛ تربیت و تامین معلم در ایران (گذشته، حال و آینده)؛ فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۹ و ۱۸ (۴)، ۴۳-۱۱.
۷. ...؛ (۱۳۷۹)؛ سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران؛ تهران: سازمان سمت.

### نویسنده: پوریا گلپایگانی



### اسناد بالادستی در آموزش و پرورش

پیش از پرداختن به موضوعات دیگر در آموزش و پرورش باید بدانیم اسناد بالادستی که تمام اهداف آموزش و پرورش بر اساس آن ها تعیین می‌شود، چیست و شامل چه اسنادی می‌شود.

که محور نظام تعلیم و تربیت است، اشاره شده است. از مهمترین این گزاره ها میتوان به : آموزه های قرآن کریم، آموزه های مهدویت و انتظار، میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره) و... اشاره کرد.

فصل سوم تحت عنوان «بیانیهی مأموریت» نامگذاری شده است که در این قسمت به این نکته اشاره شده است که نهاد آموزش و پرورش مأموریت دارد تا با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه‌ی دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی ۱۲ پایه‌ی تحصیلی (چهار دوره‌ی سه ساله)، به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و حتی جهانی را به صورتی منسجم و نظام مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد و انجام این مهم نقشی زیرساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت.

فصل چهارم که تحت عنوان «چشم» نامگذاری شده است؛ به ویژگی های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افر ۱۴۰۴ می پردازد. در این فصل مبحثی ذیل عنوان «مدرسه در افق چشم انداز» مطرح گردیده است که طی آن به این نکته اشاره شده است که بر پایه چشم انداز ۱۴۰۴، «مدرسه جلوه ای از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه‌ی خدمات و فرصت های تعلیم و تربیت، زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش آموزان و تکوین و تعالی پیوسته‌ی هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی، در چارچوب فلسفه و رهنامه‌ی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

فصل پنجم تحت عنوان «هدف‌های کلان» نامگذاری گردیده است که در مجموع به ۸ هدف کلان زیر اشاره شده است:

۱. تربیت انسان متعهد
۲. ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت
۳. گسترش عدالت آموزشی
۴. برقراری نظام کارآمد مدیریت انسانی
۵. افزایش مشارکت همگانی
۶. بهسازی در نظام برنامه ریزی آموزشی
۷. افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت
۸. کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام

فصل ششم ذیل عنوان «راهبردهای کلان» نامگذاری شده است که در این فصل، مجموعاً به ۱۵ راهبرد کلان

ایشان نسبت به امر تحول در آموزش و پرورش است. ایشان به دو نکته اشاره دارند، نکته ی اول آن که از دیدگاه ایشان آموزش و پرورش شدیداً نیازمند یک تحول اساسی است و نکته‌ی دوم آن است که به نظر ایشان بهترین افراد و برجسته ترین متفکرین و نخبگان کشور در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی و... باید طرح مزینی را برای آموزش و پرورش تدوین سازند؛ چراکه بنیان این نهاد و در واقع سازمان آموزش و پرورش برگرفته از مفاهیم و اندیشه‌های غربی است و از این رو، این نیاز مبرم وجود دارد که فلسفه ی آموزش و پرورش اسلامی باید روشن و مشخص گردد و بر اساس این فلسفه است که باید افق آتی و آینده ی آموزش و پرورش کشور معلوم گردد. ضمناً به این نکته نیز اشاره نموده اند که در پشت واژه ی تحول، کار بسیار گسترده و عظیمی نهفته است

در مقدمه‌ی سند تحول بنیادین، به این نکته اشاره شده است که عرصه‌ی تعلیم و تربیت یکی از مهم ترین زیرساخت‌های تعالی همه جانبه‌ی کشور و ابزاری جدی در راستای ارتقای سرمایه‌ی انسانی شایسته‌ی کشور در زمینه های گوناگون است و از این رو، تحقق آرمان های متعالی انقلاب اسلامی ایران همچون احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در بین ملت ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان های عالم، متقی و آزاده و خلاق است و این تعلیم و تربیت باید بتواند «حیات طیبه»، «جامعه ی عدل جهانی» و «تمدن اسلامی - ایرانی» را تحقق بخشید. در پرتو چنین سرمایه ی انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی «انسان کامل» را پیدا می کند و در سایه‌ی چنین حکومتی ظرفیت و استعدادهای بشری به شکوفایی و کمال خواهد رسید.

در فصل اول سند تحول بنیادین که تحت عنوان «کلیات» نامگذاری شده است، اصطلاحات و واژگان کلیدی به کار رفته در سند مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند و تعریف شده‌اند. مانند : «نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی»، «تعلیم و تربیت»، «ساحت های تعلیم و تربیت»، «نظام معیار اسلامی»، «شایستگی های پایه»، «هویت»، «معلم و مربی»، «جامعه‌ی اسلامی»، «سنین لازم التعلیم»، «حیات طیبه»، «چشم انداز»، و «نظام دوری».

در فصل دوم که تحت بیانیه‌ی ارزش ها نامگذاری شده است، پس از بیان منابع ارزشی سند، به ۳۰ گزاره‌ی ارزشی

اشاره شده است، همچنین به این موضوع پرداخته شده است که هر یک از این راهبردهای کلان با کدام یک از اهداف کلان - که در فصل پیشین (یعنی فصل پنجم) - بدان اشاره شده است متناظر و مرتبط است.

اما مفصلترین و مبسوطترین فصل سند تحول بنیادین، فصل هفتم است که ذیل عنوان «هدف‌های عملیاتی و راهکارها» نامگذاری شده است. در این فصل، در مجموع فهرست ۲۳ راهکار کلی مختلف بیان شده است که در ذیل هر راهکار، جزئیات اجرایی و عملیاتی آن نیز مطرح شده است.

### اهداف عملیاتی و راهکارهای سند تحول بنیادین:

۱- پرورش درست تربیت یافتگان ۲- تعمیق تربیت اسلامی ۳- ترویج فرهنگ حیا و عفاف ۴- تقویت بنیان خانواده ۵- تأمین و بسط عدالت آموزشی ۶- تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری ۷- افزایش نقش مدرسه ۸- افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت در تعالی کشور ۹- جلب مشارکت ارکان موثر در تربیت ۱۰- ارقای منزلت اجتماعی فرهنگیان ۱۱- بازمهندسی اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معلم ۱۲- تأمین رفاه فرهنگیان ۱۳- افزایش نقش شوراهای آموزش و پرورش ۱۴- متناسب سازی فضاهای تربیتی با ویژگیهای دانش آموزان ۱۵- اصلاح محتوا و ارتقای جایگاه علوم انسانی ۱۶- تنوع بخشی در ارائه خدمات آموزشی ۱۷- استفاده از فناوری های نوین ۱۸- نوآوری در نظام تعلیم و تربیت رسمی ۱۹- استقرار نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت ۲۰- تأمین و تنوع بخشی منابع مالی و مدیریت مصرف ۲۱- بازنگری ساختارها و روشها ۲۲- ارتقا و بهبود مستمر کیفیت نظام کارشناسی و مدیریت آموزشی ۲۳- توسعه ظرفیت پژوهش و نوآوری

در نهایت، فصل هشتم سند تحول بنیادین (فصل پایانی) ذیل عنوان «چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش» نامگذاری شده است. در این فصل به این موضوع پرداخته شده است که برای تحقق اهداف و برنامه‌های سند ملی آموزش و پرورش در افق چشم انداز، سیاستگذاری، برنامه ریزی و نظارت بر فرآیند تحول بنیادین در دو سطح صورت می پذیرد:

بخش اول یا سطح اول، سیاستگذاری و تصمیم گیری کلان و همچنین نظارت و ارزیابی راهبردی فرآیند تحول

بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر پایه‌ی این سند است که این مهم بر عهده‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی است. اما سطح دوم یا بخش دوم مربوط به برنامه ریزی و نظام اجرایی است که در وهله‌ی اول شورای عالی آموزش و پرورش مسوولیت اجرایی سند را بر عهده دارد و در گام بعدی خود وزارت آموزش و پرورش مسوولیت نهادینه سازی و اجرای سند ملی آموزش و پرورش (شامل بنیان‌های نظری و سند تحول راهبردی) و طراحی و تدوین برنامه‌های اجرایی سند تحول راهبردی را بر عهده دارد. اما در مجموع به این نکته اشاره شده است که تمام دستگاه و نهادها خصوصاً رسانه‌ی ملی موظفند در چارچوب این سند با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی همکاری لازم را به منظور تحقق اهداف تحول بنیادین آموزش و پرورش به عمل آورند و در پایان این فصل به موضوع نحوه‌ی ترمیم و به روز رسانی سند تحول بنیادین اشاره شده که طی آن این فرآیند در افق چشم انداز در بازه‌های زمانی پنج ساله از تاریخ تصویب آن و مطابق با بنیان‌های نظری سند ملی (فلسفه‌ی تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران، فلسفه‌ی تعلیم و تربیت رسمی - عمومی در جمهوری اسلامی، رهنامه‌ی نظام تعلیم و تربیت رسمی - عمومی در جمهوری اسلامی ایران) پس از تصویب از سوی شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب نهایی شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد رسید.

### سند چشم انداز بیست ساله ۱۴۰۴ (تحول راهبردی)

این سند که به تایید شورای عالی آموزش و پرورش رسیده؛ مبنای همه تغییراتی است که رسیدن ایران اسلامی به چشم‌انداز ۱۴۰۴ را آسان می‌کند. در این سند؛ ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین المللی ترسیم شده است. سابقه‌ی سندنویسی با هدف تحول در آموزش و پرورش به دهه ۶۰ برمی‌گردد که در سال ۱۳۶۷ طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش تدوین و منتشر گردید. آنچه باعث شده است که تدوین سند ملی آموزش و پرورش مجدداً در دستور کار سیاست‌گذاران حوزه تربیت کشور قرار گیرد، عدم دستیابی به اهداف تدوین طرح تحول بنیادین است. فکر تهیه سند در سال ۸۲ و دوره



عامل به عمل صالح، تعالی جو و تحول آفرین، انقلابی، آینده نگر، عاقل، متعهد، امین، بصیر، حق شناس.

### مدرسه در افق چشم انداز سال ۱۴۰۴

برپایه‌ی این چشم انداز، مدرسه جلوه ای است از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه ی خدمات و فرصت های تعلیم و تربیتی، زمینه ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش آموزان و تکوین و تعالی پیوسته ی هویت آنان براساس نظام معیار اسلامی، در چارچوب فلسفه و رهنامه‌ی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران که دارای ویژگی های زیر است:

- ✓ تجلی بخش فرهنگ غنی اسلامی، انقلابی در روابط و مناسبات با خالق، جهان خلقت، خود و دیگران «به ویژه تکلیف گرایی، مسوولیت پذیری، کرامت نفس، امانتداری، خودباوری، کارآمدی، کارآفرینی، پرهیز از اسراف و وابستگی به دنیا، همدلی، احترام، اعتماد، وقت شناسی، نظم، جدیت، ایثارگری، قانون گرایی، نقادی و نوآوری، استکبارستیزی، دفاع از محرومان و مستضعفان و ارزش های انقلاب اسلامی».
- ✓ نقطه اتکای دولت و ملت در رشد، تعالی و پیشرفت کشور و کانون تربیت محله.
- ✓ برخوردار از قدرت تصمیم گیری و برنامه ریزی در حوزه های عملیاتی در چارچوب سیاست های محلی، منطقه ای و ملی.
- ✓ نقش آفرین در انتخاب آگاهانه، عقلانی، مسوولانه و اختیاری فرآیند زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان براساس نظام معیار اسلامی.
- ✓ دارای ظرفیت پذیرش تفاوت های فردی، کشف و هدایت استعدادهای متنوع فطری و پاسخ گویی به نیازها، علایق و رغبت دانش آموزان در راستای مصالح و چارچوب نظام معیار اسلامی.
- ✓ یادگیرنده، کمال جو، خواستار تعالی مستمر فرصت های تربیتی، تسهیل کننده ی هدایت، یادگیری و تدارک بیننده ی خودجوش ظرفیت های جدید در خدمت تعلیم و تربیت.
- ✓ خود ارزیاب، مسئول و پاسخگو نسبت به نظارت و ارزیابی بیرونی.

وزارت مرتضی حاجی و از دل جلسات مشورتی صاحب نظران حوزه آموزش و پرورش که به ابتکار وزیر شکل گرفت، بیرون آمد. ایده اصلی این بود که با تصویب سند ملی، برنامه دراز مدتی برای آموزش و پرورش تهیه شود تا با عوض شدن هر وزیر کل سیاستگذاری و برنامه ریزی وزارتخانه دستخوش تغییرات سلیقه ای و سیاسی نشود. ابتدا قرار بود سازمان مدیریت و برنامه ریزی متولی طرح شود که ستاری فر، رئیس وقت سازمان با این استدلال که تهیه سند ملی از وظایف تخصصی دستگاه آموزش و پرورش است از قبول آن خودداری کرد. بعد از کلی نامه نگاری در نهایت شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۸۳ به عنوان متولی طرح انتخاب شد. بر اساس سند چشم انداز بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ایران قرار است تا سال ۱۴۰۴ شمسی، جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری را در منطقه کسب کند. سند ملی آموزش و پرورش معطوف به چنین افقی تنظیم شده است. به عبارت دیگر با تنظیم و اجرای این سند، قرار است آموزش و پرورش ما در سال های باقیمانده تا سال ۱۴۰۴ مطابق شاخص های بین المللی رتبه اول را در سطح منطقه کسب کند.

### چشم انداز

فصل سوم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مدرسه را در افق سال ۱۴۰۴ جلوه ای از تحقق مراتب حیات طیبه و کانون عرضه ی خدمات و فرصت های تعلیم و تربیتی می داند. در این فصل که به چشم انداز برنامه ها اشاره شده آمده است: نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴، با اتکا به قدرت لایزال الهی، مبتنی بر نظام معیار اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی و قوام بخش آن ها و زمینه ساز جامعه جهانی عدل مهدوی و برخوردار از توانمندی های تربیتی ممتاز در تراز جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه، الهام بخش و دارای تعامل سازنده و موثر با نظام های تعلیم و تربیتی در سطح جهان، توانمند در زمینه سازی برای شکوفایی فطرت و استعدادها و شکل گیری هویت یکپارچه اسلامی، انقلابی - ایرانی دانش آموزان با توجه به هویت اختصاصی آنان؛ کارآمد، اثربخش، یادگیرنده، عدالت محور و مشارکت جو، برخوردار از مریبان و مدیران مومن آراسته به فضائل اخلاق اسلامی

یکی از نقاط قوت این سند نحوه‌ی سازماندهی آن به لحاظ بخش بندی و فصل بندی است؛ بدین صورت که در فصل اول (کلیات)، واژگان و اصطلاحات کلیدی آورده شده است و تدوین کنندگان سند به نوعی تعاریف عملیاتی را ارائه نموده اند، که در واقع مقصود و منظورشان را از برخی مفاهیم انتزاعی روشن می سازد. البته باید در اینجا به این نکته نیز اشاره شود که اینکه تا چه حد این مفاهیم به روشنی به تصویر کشیده شده اند و از آن ها ابهام زدایی شده است، خود بحث و موضوع دیگری است. اما با وجود این امر، اینکه سند به لحاظ شکلی و صوری بر اساس اصول و مبانی روش پژوهش در فصل اول (کلیات سند) طراحی شده است را می توان از نقاط قوت سند تحول بنیادین محسوب نمود.

یکی دیگر از بحث های مهم در سیاستگذاری عمومی به طور اعم و در سیاستگذاری فرهنگی به طور اخص این است که باید بین ارزش ها، اهداف و سیاست ها تفکیک و تمایز قایل شد. اگر در سیاستگذاری اهداف را به مثابه ی سیاست ها در نظر بگیریم، فرآورده‌ی نهایی فرآیند سیاستگذاری، قطعاً از این قابلیت و پتانسیل برخوردار نخواهد بود که بتواند مشکل و مسأله‌ی سیاستی را حل نماید. با در نظر گرفتن این نکته، می توان اینگونه اذعان داشت که دست کم در این زمینه، سند تحول بنیادین حداقل به لحاظ صوری و شکلی این تفکیک را مدنظر قرار داده است؛ به طوری که همان گونه که پیشتر نیز بدان اشاره شد فصل دوم این سند ذیل عنوان کلی «بیانیه‌ی ارزش ها» به آن دسته از گزاره‌های ارزشی و بایدها و نبایدهای اساسی اشاره دارد که لازم است تمامی اجزا و مؤلفه های نظام تعلیم و تربیت رسمی - عمومی هماهنگ با این ارزش ها بوده و کلیه ی سیاستگذاران و همه ی کارگزاران نظام ملتزم و پایبند به آن ها باشند.

در فصل پنجم سند که تحت عنوان «هدف های کلان» نامگذاری شده است نیز بین اهداف و ارزش ها و سیاست ها تفکیک و تمایز مشاهده می شود. به طوری که در این فصل، به ۸ هدف کلان اشاره شده است، اما در بخش راهکارهای عملیاتی و اجرایی که مفصل ترین فصل سند تحول بنیادین را تشکیل می دهد، به سیاست های اجرایی اشاره شده است. صرف نظر از فرصت ها و چالش هایی که سند بنیادین می تواند پیش روی خود داشته باشد، این سند از نقاط ضعفی نیز برخوردار است؛ که البته در ادامه

- ✓ تأمین کننده ی نیازهای فردی و اجتماعی و محیط اخلاقی، علمی، امن، سالم، با نشاط، مهرورز و برخوردار از هویت جمعی.
- ✓ برخوردار از مریبان دارای فضائل اخلاقی و شایستگی های حرفه ای با هویت یکپارچه توحیدی براساس نظام معیار اسلامی.
- ✓ مبتنی بر رویکرد مدیریتی نقدپذیر، مشارکت جو.
- ✓ متکی بر ارکان تعلیم و تربیت و بهره مند از ظرفیت عوامل سهیم و موثر و مبتنی بر مشارکت ذی نفعان با تأکید بر مریبان، دانش آموزان و خانواده.
- ✓ برخوردار از بهره فناوری آموزشی در سطح معیار؛ با توجه به طیف منابع و رسانه های یادگیری (شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات)
- ✓ دارای ظرفیت تصمیم سازی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی.
- ✓ دارای تعامل اثر بخش با مساجد و دیگر نهادها، مراکز مذهبی و کانون های محلی نظیر فرهنگ سرا، کتابخانه های عمومی و برخوردار از ارتباط مستمر و موثر با عالمان دینی، صاحب نظران و متخصصان.
- ✓ دارای پیوند موثر با موضوعات و مسائل جامعه در مقیاس محلی، منطقه ای و ملی با حضور فعال در حیات اجتماعی.

### نقاط قوت و ضعف سند و چالش ها و فرصت های پیش

#### روی آن

حال این سوال پیش می آید که براساس سند تحول بنیادین چه چشم اندازی را برای سیاستگذاری فرهنگی در این وزارتخانه می توان تصور نمود؟ به منظور دستیابی به پاسخ این پرسش کلیدی و بنیادین، شاید بررسی نقاط قوت و ضعف سند به همراه فرصت ها و چالش های پیش روی آن، بتواند بدین پرسش های جانبی و فرعی نیز پاسخ دهد که این سند تا چه میزان از قابلیت اجرایی برخوردار است؟ و اساساً مؤلفه های بنیادین و ساختار آفرین آن کدام اند؟ برای خودداری و اجتناب از نوعی منفی بافی و نگاهی بدبینانه به این سند، در ابتدا به سراغ نقاط قوت سند براساس مبانی تحلیل سیاست ها و اصول تهیه ی اسناد در سیاستگذاری عمومی می رویم و این نقاط را با تأکید بر موضوع اصلی بحث یعنی رابطه ی سند تحول بنیادین و سیاستگذاری فرهنگی در آموزش و پرورش آغاز می کنیم.

اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌نماید تا به عنوان یکی از زیر نظام‌های اصلی سند تحول بنیادین، زمینه ایجاد تحول همه جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی را فراهم می‌آورد. کار تحقیق، پژوهش و تدوین سند درس ملی از اسفند ماه ۱۳۸۴ با تشکیل دبیرخانه طرح در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آغاز شد. در دبیرخانه شورای عالی با تشکیل کارگروهی مرکب از کارشناسان شورا و جمعی از دست‌اندرکاران تدوین و صاحب نظران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ضمن وفاداری به بنیان‌های اصلی برنامه از جمله الگوی هدف‌گذاری و عناصر و عرصه‌های چهارگانه ارتباطی و با تکیه بر مبانی و دلالت‌های مفاهیم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی آماده شد. این برنامه تحول آفرین با تدارک فرصت‌های تربیتی متنوع و جامع، درصدد است تا امکان کسب شایستگی‌های لازم در جهت درک و اصلاح موقعیت براساس نظام معیار اسلامی توسط دانش‌آموزان را میسر می‌سازد و آنان را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش تا دستیابی به مراتبی از حیات طیبه یاری رساند. رسالت خطیر برنامه درسی ملی فراهم آوردن ساز و کارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌های درسی در سطوح ملی تا محلی می‌باشد تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به صورت نظام‌مند و ساختار یافته در اختیار کودکان و نوجوانان قرارگیرد و محیطی با نشاط و مدرسه دوست‌داشتنی را به تصویر بکشاند.

در سند درس ملی، یازده حوزه یادگیری پیش‌بینی شده که بخشی از آن حوزه‌ها جدیدالتأسیس هستند و قبلاً به صورت مستقل به آن پرداخته نمی‌شد. مانند، آداب زندگی و خانواده، تمدن و هنر، کار و فناوری، سبک زندگی و همچنین تحول در آموزش زبان‌های خارجی. از آنجا که موضوع برنامه ریزی درسی، یک رشته نوپا در کشور می‌باشد، لذا تدوین برنامه‌های آموزشی، تألیف کتاب‌های درسی، تعیین زمان و ساعات آموزش، روش‌های تدریس، بهره‌گیری از روش‌های متنوع یادگیری و تکنولوژی آموزشی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از یک برنامه جامع و همه جانبه نگر مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی تبعیت نمی‌کرده است که این امر آسیب‌ها و کاستی‌های فراوانی را به همراه داشته است.

یعنی در بررسی ربط و نسبت سند و مقوله‌ی سیاست‌گذاری فرهنگی به این موضوع بیشتر می‌پردازیم و در اینجا صرفاً به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که در فصل هفتم که ذیل عنوان کلی «هدف‌های عملیاتی و راهکارها» نامگذاری شده است؛ در واقع به سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های عملیاتی اشاره شده است که اولاً از نگاه نویسنده‌ی این سطور شاید بهتر بود ذیل عنوان «برنامه‌های عملیاتی - اجرایی و راهکارها» نامگذاری می‌شد تا «اهداف عملیاتی» و ثانیاً اینکه در این مقدمه به این نکته اشاره شده است که هدف‌های عملیاتی و راهکارهای ذیل آن‌ها، الزاماً از تناظر یک به یک با هدف‌های کلان برخوردار نیستند و از این رو، برخی هدف‌های عملیاتی و نیز راهکارهای ذیل یک هدف کلان ممکن است با هدف‌های کلان دیگری نیز مرتبط باشند و این در حالی است که به لحاظ تجزیه و تحلیل سیاستی و اصول و مبانی سیاست‌گذاری باید مشخص باشد که هر هدف کلان با چه برنامه یا برنامه‌های عملیاتی مرتبط است و به نظر می‌رسد این موضوع اشاره شده در ابتدای فصل هفتم نوعی سردرگمی را ایجاد می‌کند.

وقتی به تجزیه و تحلیل، پایش و ارزیابی سیاست‌ها پرداخته می‌شود باید دقیقاً مشخص شود که در چه مرحله‌ای از سیاست‌گذاری با مشکل مواجه شده ایم، حال آن‌که اگر چند هدف کلان با چند راهکار در تناظر یک به یک باشند، ارزیابی دشوار بلکه غیرممکن خواهد بود. حتی در ادامه‌ی مقدمه‌ی این فصل به این نکته نیز اشاره شده است که با توجه به این-گونه روابط، هر راهکار برای هدفی که در ذیل آن آمده است، جنبه‌ی اصلی و برای برخی هدف‌های دیگر جنبه‌ی مکمل دارد و از این رو، به هنگام عملیاتی نمودن احکام این سند، لازم است در تدوین برنامه‌های میان مدت و کوتاه مدت اینگونه پیوستگی‌ها مورد توجه قرار گیرد. البته لازم به ذکر است که نقاط ضعف این سند صرفاً به موارد فوق محدود نمی‌شود، بلکه در بررسی ربط و نسبت سیاست‌گذاری فرهنگی و سند تحول بنیادین، نکات مبهم فراوانی وجود دارد.

### سند برنامه درسی ملی

«برنامه درسی ملی» سندی است که نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری

## آیین‌نامه اجرایی مدارس

پیش از پرداختن به آیین‌نامه اجرایی مدارس لازم است بدانیم آیین‌نامه چیست و بر چه اساسی صادر می‌شود.

آیین‌نامه از معتبرترین دستورالعمل‌هاست، که مانند قانون و تصویب‌نامه، یک دستور عام و کلی است و معمولاً از طرف مراجع صلاحیت‌دار در مورد موضوع معین صادر می‌شود. در قدیم آیین‌نامه را نظام‌نامه می‌گفتند. هدف صدور آیین‌نامه: روشن ساختن معنا و مراحل اجرایی یک قانون؛ زیرا قانون‌گذاران تمام جزئیات اجرایی یک قانون را نمی‌توانند پیش‌بینی کنند. آیین‌نامه مانند سایر اسناد رسمی، ایجاد حق و تکلیف می‌کند و اجرای آن برای مقامات اداری، آموزشی و مردم الزامی است. مگر آنکه مفاد آن خلاف قانون اساسی و عادی باشد. مهمترین مرجع تصویب‌کننده آیین‌نامه‌های مختلف آموزشی؛ شورای عالی آموزش و پرورش است. شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز از مراجع مهم تصویب آیین‌نامه‌های آموزشی مربوط به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است.

اهمیت و نقش آموزش و پرورش در بهسازی و توسعه زندگی فردی و اجتماعی موجب شده‌است که جامعه و اولیای دانش‌آموزان انتظار داشته باشند که مدرسه محیطی رشد‌دهنده، پویا و زمینه‌ساز پرورش استعدادها بالقوه و خداداد فرزندان آنان باشد. تحقق اهداف متعالی آموزش و پرورش و لزوم توجه به روحیات و ویژگی‌های نسل جوان، تفاوت‌های ناشی از شرایط جغرافیایی و محیطی و محدودیت منابع و امکانات، ایجاب می‌کند که اداره امور مدارس مبتنی بر افزایش قدرت تصمیم‌گیری، استقلال نسبی، انعطاف‌پذیری و روش‌های غیر متمرکز و مشارکت‌جویانه باشد تا بتواند فضای عمومی مدرسه را پویا، پرنشاط و فعال نموده و توانمندی‌ها و خلاقیت‌های مدیران، معلمان و دانش‌آموزان را به خوبی شکوفا و متجلی سازد. بدین جهت در مصوبه جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۹ لازم دیده شد آیین‌نامه اجرایی مدارس با توجه به سیاست‌ها و راهبردهای اساسی آموزش و پرورش از جمله تمرکز زدایی، مدرسه محوری و توسعه مشارکت همه بعدی تنظیم‌گردد و با تفویض اختیارات لازم به مدارس، زمینه مناسب‌تری برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت فراهم‌شود. آیین‌نامه اجرایی مدارس در قالب ۸

فصل با عنوان‌های کلیات، ارکان و شوراهای مدرسه، شرایط ثبت نام و ادامه تحصیل دانش‌آموزان، شرایط بهداشتی و ایمنی مدرسه، پوشش و لباس دانش‌آموزان، مقررات انضباطی دانش‌آموزان، امور مالی و سایر موارد در ۱۱۰ ماده به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید.

### بخش‌نامه

بخشنامه شامل مقررات و دستوراتی است که از طرف مقامات بالاتر خطاب به مقامات و کارکنان زیردست براساس سلسله مراتب اداری صادر می‌شود. هدف اساسی از صدور بخشنامه، ارشاد و راهنمایی مقامات پایین‌تر از طرف مقامات بالاتر و ایجاد هماهنگی در اجرای مفاد قانون، تصویب‌نامه، اساسنامه و آیین‌نامه است. بخشنامه علاوه بر جنبه آموزشی و فرهنگی مانند سایر مقررات اداری، جنبه امری و دستوری نیز دارد.

### منابع

۱. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش؛ (۱۳۹۰)؛ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛ تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی
۲. ...؛ (۱۳۹۰)؛ مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی
۳. ...؛ (۱۳۹۱)؛ برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
۴. ...؛ (۱۴۰۰)؛ آیین‌نامه اجرایی مدارس، تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۵. سایت شبکه ملی مدارس (رشد) [www.roshd.ir](http://www.roshd.ir)
۶. سایت وزارت آموزش و پرورش <http://oerp.ir>

### نویسنده: خانم صیادی



شاخص‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان براساس سند تحول بنیادین:

اخلاق حرفه‌ای و ارزش‌ها: ایمان به خدای یکتا، اعتقاد به دین مبین اسلام، صلاحیت‌های دینی و اخلاقی انقلابی، صلاحیت‌های شخصیتی، تعامل با نهادهای علمی و پژوهشی، هدایت‌کنندگی و اقتدار شخصیتی دانش (علم نافع): ارتقای علمی و تربیتی معلمان و تقویت انگیزه‌های شغلی، رویکرد آموزش تخصصی و حرفه‌ای، یادگیری مداوم. مهارت‌ها: هدایتگری، ارتقای توانمندی‌های معلمان، پژوهشگری.

توسعه حرفه‌ای: پژوهش، توانمندسازی، افزایش توانمندی‌های حرفه‌ای، شرکت در دوره‌های ضمن خدمت.

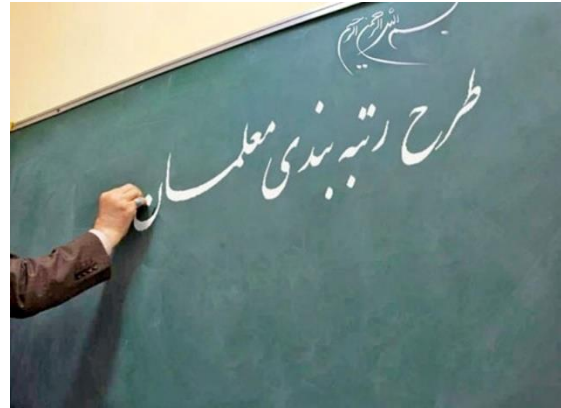
بنا به تعریف مبانی نظری سند تحول، شایستگی‌ها مجموعه‌ای ترکیبی از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه‌های هویت در ابعاد فردی و جمعی است که در قالب شایستگی‌های پایه در جهت تقویت هویت مشترک (اعتقادی، اخلاقی، دانش پایه و...) و شایستگی‌های ویژه در جهت هویت حرفه‌ای مربیان مشتمل بر اخلاق و تعهد حرفه‌ای، دانش تخصصی، دانش تربیتی و مهارت‌های تربیتی تعریف شده است.

در سند برنامه درسی ملی تربیت معلم جمهوری اسلامی ایران، شایستگی معطوف به دانش تربیتی، بیانگر دانش حرفه‌ای مربیان است که به قلمرو دانش تعلق دارد. این شایستگی در بیان کلی چنین توضیح داده شده است: آشنایی با دانش تربیتی و فهم اصول و روش‌های کاربردی آن در موقعیت‌های تربیتی و کسب توانایی موقعیت‌شناسی به همراه قابلیت تشخیص احکام تربیتی متناسب با موقعیت‌های واقعی تربیت به زبان علم تربیت (علوم تربیتی) و توانایی به کارگیری روش‌های پژوهشی تربیتی در حل مسأله‌های خرد موقعیت‌های تربیتی (اقدام پژوهی) را شامل می‌شود در بخش بیان تشریحی شایستگی معطوف به دانش تربیتی گفته شده است که این شایستگی، مشتمل بر انواع دانش‌های حوزه تعلیم و تربیت است.

همان‌طور که مشخص است شایستگی‌ها یا صلاحیت‌های معلم را نمی‌توان تجزیه کرد و منفک از یکدیگر در نظر گرفت. استفاده از عبارت هویت حرفه‌ای مربیان، بهره‌گیری سنجیده و آگاهانه از این عبارت و ناشی از رویکردی کل

## شایستگی‌های معلم در اسناد بالادستی وزارت

### آموزش و پرورش



### اسناد بالادستی و معلمان

با بررسی انجام‌گرفته، اسناد بالادستی در آموزش و پرورش صرفاً تعاریف و چهارچوبی از یک معلم شاخص را بیان می‌کنند و این موارد را در راستای تحقق اهداف می‌دانند؛ به این صورت که معلم هدایتگر کلاس به سوی اهداف تعیین‌شده است. در تحقق اهداف و مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی تأکید شده در سند تحول، معلم (مربی) مؤثرترین نقش را دارد. آنچه در سند تحول بنیادین خیلی مهم و تازه به نظر می‌رسد این است که معلم در این سند بعنوان فردی فکور، اندیشمند، پژوهشگر و استاد دانشگاه است و نه کارمند. این بنای اساسی و حقیقتاً ماندگار در جهت تحول عمیق و اساسی در آموزش و پرورش است که اگر با اجرای موفق همراه باشد پایه و فونداسیون قوی برای شروع تحول عمیق و عظیم در آموزش و پرورش می‌باشد.

در فصل اول سند تحول بنیادین با عنوان «بیانیه ارزش‌ها» دو گزاره مهم به شرح زیر آمده‌اند:

گزاره ۷: نقش معلم به‌عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور، از اهمیتی بسزا برخوردار است.

گزاره ۱۲: به منزلت علم نافع، هدایتگر و توانمندساز و مقام و جایگاه عالم و معلم باید بیش از پیش توجه شود.

نگرانه به هویت یکپارچه معلم است. شاهد این ادعا آن است که در مبانی نظری تحول بنیادین، نگرش و مهارت‌های ناظر به بهره برداری صحیح از فرصت تربیت، همراه هم و به صورت تلفیقی، به عنوان توانمندی‌های حرفه‌ای لازم برای معلم، تعریف شده است بر این اساس، هویت حرفه‌ای معلم هم، مرکب از مؤلفه‌های سازنده آن و نیز شایستگی‌های معطوف به آن مؤلفه‌هاست که در ترکیب با هم، آن هویت را شکل می‌دهند. شایان ذکر است که با وجود تأکید و اصرار بر ساری و جاری کردن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به ویژه در میان کارگزاران آموزشی، ملاحظه می‌شود که این باور درونی نشده و شواهد حاکی از آن است که افراد، در واقع امر، در فضای سند و تحول الزم برای آن نمی‌اندیشند و زیست نمی‌کنند.

### منابع

۱. خنیفر، حسین و همکاران، ۱۳۸۹، مبانی تحول بنیادین، انتشارات نورالثقلین، تهران
۲. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش؛ (۱۳۹۰)؛ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (سند مشهد مقدس)؛ تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی
۳. ...؛ (۱۳۹۰)؛ مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی
۴. ...؛ (۱۳۹۱)؛ برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه اسفند ۱۳۹۱؛ تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
۵. رضایی، منیره؛ (۱۳۹۷)؛ شناسایی و تعیین شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان با ابتناء بر اسناد تحولی آموزش و پرورش و اعتبارسنجی آنها؛ فصلنامه تعلیم و تربیت؛ شماره ۱۴۱
۶. سایت خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا (پادداشت مهمان منوچهر کلهر دکتری علوم تربیتی و استاد بازنشسته دانشگاه فرهنگیان قزوین)

<https://www.isna.ir>

**نویسنده: پوریا گلپایگانی**

شاغل در وزارت آموزش و پرورش و پیش‌بینی مشمولین بازنشستگی تا سال ۱۴۰۶» که معاونت امور علمی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه آن را تهیه کرده است، جمعیت بازنشستگان آموزش و پرورش تا سال ۱۴۰۶، ۴۶۳ هزار نفر خواهد بود که حدود ۷۱ درصد از این تعداد، یعنی ۳۲۸ هزار نفر قبل از سال ۱۴۰۲ بازنشسته خواهند شد. همه این اعداد و ارقام نشان می‌دهند که بحران بزرگ کمبود معلم در مدارس کشور آغاز شده است. نشانه‌های بحران کمبود معلم در سال ۹۷ ظهور پیدا کرد و وزارت آموزش و پرورش را بر آن داشت که برای این بحران چاره‌اندیشی کند؛ چاره‌اندیشی‌ای که بیشتر به مسکنی موقت می‌مانست که حتی می‌تواند اوضاع را وخیم‌تر کند. خرید خدمات آموزشی، استفاده از شیوه‌های مختلف حق‌التدریسی و افزایش ظرفیت کلاس‌ها به بالای ۴۰ نفر همه و همه راهکارهایی برای پاسخ کوتاه‌مدت به این بحران بودند.

علی‌اللهیار ترکمن معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش درباره آخرین وضعیت ساماندهی نیروی انسانی برای سال تحصیلی پیش رو اظهار کرد: مجوز صادرشده از سوی سازمان اداری استخدامی برای جذب نیرو در سال جاری ۵۰ هزار مورد است که ۲۵ هزار مجوز مربوط به جذب دانشجو معلم برای دوره چهارساله از طریق کنکور سراسری و ۲۵ هزار مجوز مربوط به جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دیگر مطابق ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان است. وی افزود: اطلاعات استخدامی در اختیار سازمان سنجش قرار گرفته تا بارگذاری و دفترچه استخدامی را منتشر کند. علاوه بر این کمتر از ۱۰ هزار مجوز استفاده نشده از سال قبل داریم که به این آمار اضافه می‌شود. معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع وزارت آموزش و پرورش درباره میزان خروجی نیروها و تعداد بازنشستگان سال جاری نیز اظهار کرد: شمار آنها که تا اسفند امسال به بازنشستگی می‌رسند بالاست، اما با استفاده از ظرفیت‌های ماده ۱۰۳ قانون خدمات کشوری می‌توانند خدمتشان را استمرار دهند.

او گفت: با توجه به اجرای رتبه‌بندی، خیلی از معلمان خودشان درخواست بازنشستگی نداده‌اند و توصیه ما این است که امسال و سال بعد اگر همکاری شرایط ادامه خدمت دارد، درخواست بازنشستگی ندهد. زیرا رتبه‌بندی به هر شکلی تصویب و اجرا می‌شود و اثرات خوبی دارد. اللهیار



## وضعیت جذب و بازنشستگی معلمان در آموزش و

### پرورش

کمبود معلم در مدارس ایران به رقم ۲۰۰ هزار نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ رسید؛ رقمی که کارشناسان منابع انسانی آن را آغازگر یک سونامی و بحران بزرگ در دل بزرگ‌ترین وزارتخانه کشور می‌دانند. بحرانی که زنگ خطر کلاس‌های بی‌معلم در مدارس دولتی کشور را به صدا درآورده و مسئولان آموزش و پرورش را برای حل این معضل مهم به تکاپو انداخته است. این میزان کمبود را ۲ نفر تأیید می‌کنند؛ اولی اسفندیار چهاربند، رئیس مرکز برنامه‌ریزی و نیروی انسانی سابق آموزش و پرورش که قبلاً هم نسبت به این بحران هشدار داده بود و دوم معاون حقوقی وزارت آموزش و پرورش که وعده می‌دهد با تخصیص ردیف استخدامی این مشکل را مرتفع می‌کنند.

چهاربند توضیح داد: از سال ۹۷ به‌طور متوسط ۴۰ هزار معلم بازنشسته شده‌اند که باید در این چند سال به‌صورت تراکمی، نیرو جایگزین آنها می‌شد که نشده و الان این رقم به ۲۰۰ هزار نفر رسیده و تا سال ۱۴۰۴ هم سالی ۴۵ هزار معلم دیگر بازنشسته می‌شوند که این رقم را به بالای ۴۵۰ هزار نفر می‌رسانند؛ یعنی تقریباً نیمی از نیروی انسانی آموزش و پرورش. براساس پیش‌بینی سازمان برنامه و بودجه امسال و سال بعد بیشترین میزان بازنشستگی معلمان رخ می‌دهد یعنی در این ۲ سال ۱۱۲ هزار معلم دوران خدمت خود را به پایان می‌رسانند. براساس این آمار از سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۶ نیز شاهد سیر بازنشستگی معلمان در کشور خواهیم بود. یعنی هر سال به‌طور میانگین ۱۹ هزار نفر از معلمان بازنشسته خواهند شد. از سوی دیگر براساس گزارش «تحلیل و بررسی وضعیت نیروی انسانی



**صاحب امتیاز:**

**جمعیت فرهنگیان جوان**

**مدیرمسئول:**

**علی فلاحتکار**

**هیئت تحریریه:**

**خانم صیادی ، امیرحسین فکر جوان ،  
سعید قلیزاده ، پوریا گلپایگانی**

**گرافیک و صفحه‌آرایی:**

**امیرمحمد شیرخدا ، سجاد رئیسی**

اضافه کرد: اما آن دسته که بازنشستگی‌شان قطعی شده و حکم بازنشستگی‌شان اول مهر صادر می‌شود، حدود ۲۲ هزار نفر هستند. وی درباره وضعیت کمبود نیرو در این وزارتخانه گفت: کمبود نیروی مورد نیاز همان ۱۹۷ هزار نفر که با سازمان اداری استخدامی تفاهم کردیم و هنوز برقرار است. البته برای امسال ۶۰ هزار مجوز جذب نیرو گرفته ایم. پکیج جذب و ساماندهی نیروی انسانی را هم طبق روال سال گذشته تکمیل می‌کنیم. تعدادی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه فرهنگیان هم امسال فارغ‌التحصیل و از مهرماه وارد سیستم می‌شوند.

و در پایان باید اشاره به دو نکته واجب است. اول اینکه چرا هیچ بانک اطلاعاتی مخصوصی جهت ثبت و ارائه‌ی آمار برای معلمی که جذب و بازنشسته شده‌اند وجود ندارد. و شهروندان و معلمان برای آگاهی از این اعداد باید دست به دامان خبرگزاری‌ها شوند. دوم اینکه حال که تا شش سال آینده میزان نیروهای خروجی مشخص است پس چرا از همین حال اقدامات برای آماده‌سازی و جذب نومعلم صورت نمی‌گیرد؟ یا به بیان دیگر هیچ آماری برای جذب وجود ندارد؟

**منابع**

۱. خبرگزاری اقتصاد آنلاین.

[www.eghtesadonline.com](http://www.eghtesadonline.com)

۲. خبرگزاری تسنیم. [www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com)

۳. خبرگزاری فارس. [www.farsnews.ir](http://www.farsnews.ir)

۴. خبرگزاری ایرنا. [www.irna.ir](http://www.irna.ir)

**نویسنده: سعید قلیزاده**